

مدرسه تخصصی حفظ قرآن حضرت مهدی^(عج) در محله خواجه ربیع
سال نخست تحصیلی اش را با موفقیت سپری کرد

علم به علاوه معنویت

۵۰۴



رنگ عکس: فاطمه جاهدی/شهرآرا

روایت مردی که در دهه هفتم زندگی
۳ روز در هفته کوه نوردی می‌کند

۶ رفاقت «دونده» با کوه



۳ وضعیت رفت و روب و رهاسازی زباله در کوچه
عرفانی ۳۵ صدای مردم را در آورده است
زخم زباله بر چهره معبر

۷ نگاهی به پشتوانه علمی برای تغییر نام
بولوار امت به امیرالمؤمنین^(ع)
فراتر از تغییر نام

شما می توانید اخبار کوچه و خیابان خود را به شماره ۰۹۰۳۹۲۵۸۶۶۷ در پیام رسان ایتا بفرستید.

شما چه خبر

پیوند آسمانی در دل اجتماع مردمی

هم زمان با عید سعید غدیر، مراسم پیوند آسمانی زوج جوان سادات یکی از روستاهای هم جوار مشهد در اجتماع مردمی طبرسی شمالی برگزار شد؛ جشنی که رنگ و بوی معنوی آن با حضور مردم دوچندان شد. این زوج جوان با انتخاب روز عید غدیر، آغاز زندگی مشترک خود را با شادی این عید بزرگ گره زدند و تصمیم گرفتند این لحظه به یاد ماندنی را در کنار مردم جشن بگیرند. این مراسم با همراهی گروه مردمی «ما مردم»، از محله شهید قربانی برنامه ریزی و اجرا شد و زوج جوان با دریافت هدیه ای از سوی خیران، زندگی مشترک خود را آغاز کردند.



«غدیر» در آشپزخانه خانواده محمدیان

عید غدیر امسال برای امید محمدیان و همسرش رنگ و بوی دیگری داشت. این زوج که بخشی از درآمد خود را از راه پخت کیک، شیرینی و خوراکی های خانگی تأمین می کنند، تصمیم گرفتند به جای کسب درآمد، شادی این روز را با دیگران قسمت کنند. آن هادر آشپزخانه منزل خود ۱۵۰ عدد پیراشکی گوشت آماده و میان کودکان و خانواده های نیازمند حاشیه شهر توزیع کردند. ارزش این اطعام غدیری بیش از ۱۵ میلیون تومان برآورده می شود. این نخستین فعالیت خیرخواهانه این خانواده نیست. آن ها پیش از این نیز بخشی از درآمد حاصل از فروش محصولات خود را به حمایت از جبهه مقاومت اختصاص داده اند.

پوشی برای رونق روضه های خانگی

گاهی برای برپایی یک مجلس اهل بیتی، تنها یک تصمیم کافی است. گروه تبلیغی جهادی روشنا وابسته به مجتمع تربیتی آموزشی حضرت مهدی (عج) در محله سپس آباد، با همکاری سازمان تبلیغات اسلامی، پوشی «خانه ات را بهشتی کن» را راه اندازی کرده است. در قالب این پوشی، خانواده هایی که تمایل به برگزاری روضه خانگی دارند، می توانند از حضور سخنرانان اعزامی بهره مند شوند. برگزارکنندگان پوشی با شعار «چای روضه با شما، سخنرانش با ما» تلاش دارند زمینه گسترش محافل خانگی اهل بیت (ع) و انس بیشتر خانواده ها با معارف دینی را فراهم کنند.

عیدی متفاوت «غدیر»

فیضی هم زمان با عید سعید غدیر، بانوان بسیجی پایگاه حضرت فاطمه (س) در محله بلال، با هدایای یک سری سیسمونی به خانواده ای نیازمند، شادی این عید را با آنان سهیم شدند. این اقدام خیرخواهانه، بخشی از پوشی است که از سال ۱۳۸۴ در این مجموعه آغاز شده است و همچنان ادامه دارد. بانوان نیکوکار این پایگاه با همراهی خیران، همراه حدود پنج سری سیسمونی را برای خانواده های کم برخوردار و مادران بارداری که شرایط اقتصادی مناسبی ندارند، تهیه و اهدا می کنند؛ حرکتی که سال هاست لبخند را مهمان خانه های بسیاری کرده است.



ارتباط مستقیم با شهردار منطقه



شهات اسوم خرداد به روال هر ماه، سیدکمال الدین شاهچراغی، شهردار منطقه ۳، در مرکز ارتباطات مردمی ۱۳۷ حضور یافت تا پاسخ گوی پرسش های شهروندان باشد. حمید مهدوی نیا، معاون فنی و اجرایی و احمد پورمنفردی، رئیس اداره روابط عمومی شهرداری منطقه، نیز شهردار را برای پاسخ گویی هر چه بهتر به درخواست های شهروندان، همراهی می کردند.

حوزه خدمات شهری

۶ تماس شهروندان مربوط به این حوزه بود و موضوعاتی مثل گلایه از پرسه زنی سگ های ولگرد در بهمن ۴/۳۷ و بشارت ۱۷، همچنین وضعیت نظافت در کوچه مهرمادر ۱۱ را شامل می شد.

حوزه عمران و حمل و نقل

۶ درخواست مطرح شده به این حوزه مربوط بود؛ مثل نامناسب بودن وضعیت آسفالت در کوچه سامعی ۷، مشکل جوی و جداول در شیخ صدوق ۲ و ترمیم آسفالت در کوچه مهرمادر ۹.

حوزه شهرسازی

یک تماس شهروندان مرتبط با این حوزه و موضوع آن، درخواست تخریب ملکی مخروبه در کوچه شهیدان نظام دوست ۳۸ بود.

حوزه فضای سبز

۳ درخواست شهروندان به این حوزه مربوط بود، مثل رسیدگی به درخت توت شکسته در شهیدان نظام دوست ۳۲ و بهبود فضای سبز در بوستان اقاچیا واقع در مسلم شمالی ۲۱.

حوزه فرهنگی

یکی از تماس های شهروندان به درخواست نامگذاری یکی از معابر شهرک مهرگان به نام دانش آموزان شهید میناب مربوط بود.

تعداد درخواست های مطرح شده

۲۴ مورد

تعداد تماس های شهروندان

۱۹ تماس

تعداد درخواست های مرتبط با وظایف و اختیارات شهرداری منطقه

۱۷ مورد

تعداد درخواست های مرتبط به تفکیک محلات

بهمن: ۵ | مهرمادر: ۴ | مسلم: ۲ | عباس آباد: ۲ | خیرآباد: ۲ | مهرگان: ۱ | قرقی: ۱



وضعیت رفت و روب و رهاسازی زباله در کوچه عرفانی ۳۵ صدای مردم را در آورده است

زخم زباله بر چهره معبر



محمد رضا فیضی او وضعیت نامناسب رفت و روب در کوچه شهید عرفانی ۳۵ واقع در محله شهید قربانی، گلایه شهروندان را به همراه داشته است. وقتی برای بررسی موضوع سری به این کوچه حدوداً ششصد متری می‌زنیم، کیسه‌های زباله‌ای که بی‌نظم در گوشه و کنار معبر رها شده‌اند، نگاهمان را به خود جلب می‌کند. بوی نامطبوع، جوی‌های گرفته و رفت و آمد سخت، بخشی از واقعیتی است که اهالی می‌گویند هر روز با آن مواجه‌اند. اینجا زندگی در جریان است اما نه آن طور که باید؛ ساکنان از یک سو با گلایه از وضعیت نظافت و از سوی دیگر با تلاش‌های جمعی برای پاک‌سازی کوچه، در تلاش‌اند چهره‌ای قابل قبول را به کوچه خود بازگردانند. با این حال تأکید می‌کنند نیازمند توجه جدی تری از سوی متولیان برای نظافت معبر هستند.

● انتهای کوچه در تسخیر زباله‌ها

بازدیدمان را از انتهای کوچه شهید عرفانی ۳۵ آغاز کرده‌ایم. هنوز چند قدم بیشتر نرفته‌ایم که در اولین تقاطع با حجم زیادی از زباله روبه‌رو می‌شویم.

در همین نقطه با احمد پژما، از ساکنان قدیمی محله هم‌کلام می‌شویم؛ او که از سال ۱۳۶۰ در این کوچه زندگی می‌کند، با اشاره به تکراری بودن وضعیت یاد شده می‌گوید: بعضی از شهروندان زباله‌های خود را در ساعت‌های نامناسب بیرون می‌گذارند و صبح‌ها هنگام رفتن به محل کار، کیسه‌ها را سر کوچه و مقابل منازل، رها می‌کنند.

او ادامه می‌دهد: این زباله‌ها بوی نامطبوعی ایجاد کرده و علاوه بر مشکلات بهداشتی، چهره نامناسبی هم برای کوچه به وجود آورده است. گربه‌ها و زباله‌گردها هم با پخش کردن زباله‌ها در سطح کوچه، وضعیت را بدتر می‌کنند. پژما می‌گوید: برای رفع این مشکل پیشنهادی دارد؛ «اگر شهرداری در زمین بزرگی که انتهای این کوچه قرار دارد، باکس زباله‌ای را جانمایی کند، اهالی می‌توانند زباله‌های خود را در یک نقطه مشخص قرار دهند. به این ترتیب جمع‌آوری هم برای پاکبان‌ها راحت‌تر انجام می‌شود.» او در ادامه به وضعیت رفت و روب معابر نیز اشاره می‌کند و می‌گوید: جوی‌های جلو خانه‌ها درست لای رویی نمی‌شود. بارها از طریق سامانه ۱۳۷ پیگیری کرده‌ایم، اما وضعیت همچنان طوری است که می‌بینید.

● اهالی دست به جارو شده‌اند

مسیرمان را به سمت ابتدای کوچه، ادامه می‌دهیم. همچنان در بخش‌هایی از مسیر، انباشت زباله به چشم می‌خورد. زباله‌ها گاهی داخل جوی و جدول ریخته شده و مسیر هدایت پساب را مسدود کرده و گاهی نیز در پیاده‌رو انباشته شده و عبور و مرور شهروندان را با مشکل مواجه کرده است.

علیرضا براتی، نانو‌اوا اهالی این کوچه، با گلایه از وضعیت رفت و روب معبر می‌گوید: نه فقط من، بقیه همسایه‌ها هم از این وضعیت

خسته شده‌اند. بعد از اینکه دیدیم پیگیری‌ها نتیجه‌ای ندارد، حالا خودمان هفته‌ای دو بار با کمک همسایه‌ها کوچه را نظافت می‌کنیم. او ادامه می‌دهد: هر قدر هم به پاکبان‌ها تذکر می‌دهیم، تغییری نمی‌بینیم. قبلاً پاکبان این کوچه کارش را درست انجام می‌داد و همه راضی بودند، اما الان اوضاع مثل قبل نیست.

براتی در ادامه به وضعیت جوی و جدول‌های قدیمی کوچه هم اشاره می‌کند و می‌گوید: کف جوی‌ها سیمانی است و به مرور زمان تخریب شده. آب‌ها را کد می‌ماند و به لجن تبدیل می‌شود و عبور آب را کند می‌کند. جمع‌آوری استشهاد برای پیگیری جدی‌تر قضیه، تصمیمی است که آن را با مادر میان می‌گذارد؛ «با همسایه‌ها تصمیم گرفته‌ایم استشهاد تهیه کنیم تا شهرداری جوی و جدول کوچه‌مان را عوض کند بلکه اوضاع بهتر شود.»

● پاسخ شهرداری به یک مطالبه بهداشتی

در ادامه پیگیری وضعیت این کوچه، موضوع را از رئیس اداره خدمات شهری منطقه ۴ جویا می‌شویم. علی‌خاندان با اشاره به وضعیت رفت و روب معبر شهید عرفانی ۳۵ اعلام می‌کند که پایان زمان نظافت کوچه، ساعت ۱۱ ظهر تعیین شده و به کارشناسان ابلاغ می‌شود پس از این ساعت، وضعیت پاکیزگی کوچه مورد ارزیابی قرار گیرد تا در صورت نیاز، شست‌وشو انجام شود.

او در بخش دیگری از صحبت‌هایش به موضوع رهاسازی زباله و سهم برخی همسایگان در ایجاد وضعیت کنونی معبر اشاره می‌کند و می‌گوید: متأسفانه بعضی شهروندان در هر ساعت از شبانه‌روز که مایل باشند و بدون توجه به زمان بندی، زباله‌های خود را در کوچه رها می‌کنند.

خاندان از برنامه ریزی برای افزایش آگاهی شهروندان خبر می‌دهد و می‌افزاید: برای سامان دهی بهتر وضعیت، بنرهای اطلاع‌رسانی در نقاطی که انباشت زباله مشاهده می‌شود، نصب خواهد شد تا اهالی به رعایت اصول بهداشتی و حفظ پاکیزگی محیط زندگی خودشان حساس‌تر باشند.

پای صحبت‌های مردم در منطقه ۴

جمعی از شهروندان منطقه ۴ در جلسه ملاقات مردمی شهردار منطقه ۴، مسائل و درخواست‌های خود را به صورت مستقیم مطرح کردند.

این نشست با هدف تقویت ارتباط میان مدیریت شهری و شهروندان برگزار شد و فرصتی فراهم کرد تا ساکنان منطقه، دغدغه‌ها، پیشنهادها و مطالبات خود را بدون واسطه با مهدی حسین‌زاده در میان بگذارند. در جریان این دیدار، موضوعات مختلفی از جمله مسائل خدمات شهری، عمرانی و نیازهای محلات بررسی شد و درخواست‌های مطرح شده برای پیگیری و اقدام در دستور کار قرار گرفت.



شهر خبر



محمد رضا فیضی در روزهایی که بسیاری از شهروندان برای آغاز ساخت و ساز، چشم انتظار صدور پروانه‌های ساختمانی هستند، منطقه ۴ شهرداری مشهد توانسته این مسیر را از قبل، کوتاه‌تر کند.

بر اساس آمار عملکرد قرارگاه تحول پاسخ‌گویی در اردیبهشت ۱۴۰۵، منطقه ۴ با میانگین دوازده روز، سریع‌ترین روند صدور پروانه ساختمانی را در میان مناطق سیزده‌گانه شهر به ثبت رسانده و رتبه نخست را به دست آورده است.

مهدی حسین‌زاده، شهردار منطقه ۴ مشهد، در این باره می‌گوید: میانگین زمان صدور پروانه ساختمانی در شهر مشهد، سی روز است، اما منطقه ۴ با ثبت میانگین دوازده روز، توانسته عملکردی فراتر از میانگین شهر داشته باشد.

وی می‌افزاید: این نتیجه حاصل بهبود فرایندهای اجرایی و اداری و تلاش برای تسهیل امور شهروندان است.

شهردار منطقه ۴ با اشاره به رویکرد مدیریت شهری در تسریع خدمات رسانی بیان می‌کند: کاهش زمان صدور پروانه‌های ساختمانی در راستای افزایش رضایت شهروندان، حمایت از رونق ساخت و ساز و تسهیل ارائه خدمات به مراجعان دنبال می‌شود.



اتفاقی که حال سازندگان ساختمانی را خوش می‌کند

صدور پروانه در اسرع وقت

خانه‌ای برای ورزش بانوان سرپامی شود

عملیات اجرایی مجموعه ورزشی تشکی بانوان در بوستان بهشت با سرعت در حال انجام است و این پروژه تاکنون به پیشرفت فیزیکی ۲۹ درصدی رسیده است.

این مجموعه در عرصه‌ای به وسعت ۱۲ هکتار و با زیربنای ۳ هزار مترمربع در دو طبقه احداث می‌شود. برای اجرای این پروژه نیز اعتباری بالغ بر ۱۰ میلیارد تومان پیش‌بینی شده است. مجموعه ورزشی تشکی بانوان در انتهای بولوار نبوت، نبوت ۴۴ قرار دارد و پس از تکمیل، به یکی از فضاهای مهم ورزشی و فرهنگی ویژه بانوان در منطقه تبدیل خواهد شد. در این مجموعه، امکاناتی برای فعالیت‌های متنوعی همچون ورزش‌های هوازی، بدن‌سازی، یوگا، تیراندازی و تکواندو پیش‌بینی شده است تا بانوان منطقه بتوانند از خدمات ورزشی و برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی در فضایی مناسب بهره‌مند شوند.

مدرسه تخصصی حفظ قرآن حضرت مهدی (عج) در محله خواجه ربیع سال نخست تحصیلی اش را با موفقیت سپری کرد

علم به علاوه معنویت

داستان جلد

فرزانه شهامت شادی و اعتماد به نفس در چهره های ایشان موج می زند. تمام انرژی شان را ریخته اند توی صدایشان و آیاتی از سوره بقره را با لهجه عربی همخوانی می کنند؛ به صورت حفظ، روان و بدون کوچک ترین اشتباه. طوری که اگر آن ها را نبینی و فقط صدایشان را بشنوی، خیال می کنی قرآن را باز کرده اند و دارند کلام وحی را روخوانی می کنند. دختران دانش آموز مدرسه تخصصی حفظ قرآن حضرت مهدی (عج) در محله خواجه ربیع، به عنوان نخستین نسل از دانش آموزان این مدرسه، سال تحصیلی خود را با دستاوردهایی درخشان به پایان رسانده اند.

۱ به یادسپاری با تکرار

سه بار گوش دادن، سه بار تکرار و همخوانی و سه بار هم زمزمه؛ آیه قرآن زودتر از آنچه تصور شود، در ذهن های آماده و گیرای دختران، جای می گیرد. به ویژه اینکه حفظ، همراه با توجه به مفاهیم است و نکات کاربردی آن، متناسب با درک دختران پایه چهارم و پنجم ابتدایی، توضیح داده می شود. هر کدام از پنجاه دانش آموز دختری که امروز به بهانه گزارش ما و در ایام تعطیلی به مدرسه آمده اند، ساکن یکی از محلات یا روستاهای آموزش و پرورش منطقه تبادکان هستند. آن ها مدرسه ای به مراتب نزدیک تر از مدرسه حضرت مهدی (عج) را در محدوده سکونت خود داشته اند. با این حال، عشق به قرآن و به یادسپردن آیات نورانی آن، باعث شده است خواهان تحصیل در مدرسه ای باشند که در سال تحصیلی ۱۴۰۴-۱۴۰۵، برای نخستین بار راه اندازی شد و با تربیت دانش آموزانی حافظ قرآن و موفق در تحصیل، ثابت کرد که با تغییر در شیوه های آموزشی مدارس، می شود به نتایج پربارتری دست یافت.

۲ چالش های ایده های تازه

اجرای هر ایده تازه، دشواری هایی برای دست اندکارانش دارد و تأسیس چنین مدرسه ای که هم زمان به پیشرفت علمی و حفظ قرآن دانش آموزانش توجه کند نیز از این قاعده مستثنا نیست. زهرا جواهری که مدیریت مدرسه را عهده دار است، قصه تشکیل آن و گوشه ای از چالش هایش را بازگو می کند: «آبان پارسل، بر اساس دستورالعملی فوری از سوی آموزش و پرورش، این مدرسه راه اندازی کردیم. اینجا سال حاضر فایک دار القرآن بود و کلاس های مختلف را برای رده های سنی متفاوت برگزار می کرد؛ چیزی شبیه یک فرهنگ سرا که در کنار برگزاری کلاس های هنری و علمی، تمرکز روی آموزش قرآن بود.» سال تحصیلی شروع شده بود و دانش آموزان سر کلاس هایشان رفته بودند و این موضوع، کار مدیریت دبستان حضرت مهدی (عج) را برای شناسایی و جذب دانش آموزان قرآنی، دشوار کرده بود. جواهری که علاوه بر چهارده سال سابقه خدمت در آموزش و پرورش، حافظ کل قرآن نیز هست، از فراخوان هایی می گوید که در فضای حقیقی و مجازی منطقه تبادکان نشر داده شد تا دانش آموزان قرآنی، از تأسیس چنین مدرسه ای خبردار شوند؛ «با خانواده های بسیاری تماس گرفتیم و شرایط مدرسه را توضیح دادیم. واکنش ها متفاوت بود. برخی استقبال کردند و برخی، جبهه گرفتند و همراهی نکردند.»



۴ اول نماز

بلند شدن صدای اذان ظهر، گفت و گوی ما را تا اتمام نماز جماعت در نمازخانه مدرسه، متوقف می کند. دختران دانش آموز، بدون اینکه از بلندگویی مدرسه، فراخوانی برای حضور در نماز جماعت داده شود، عازم حیاط هستند. برخی آستین بالا زده اند و منتظرند نوبت وضو گرفتنشان شود و برخی دیگر، زودتر خود را به نمازخانه رسانده اند و در صف های نماز، جاگیر شده اند؛ با چادرهای عربی به رنگ سبز روشن که هدیه یکی از خیران به حافظان کم سن و سال این مدرسه قرآنی است. مکبر، یکی از دانش آموزان است و امام جماعت، طلبه ای جوان که کادر اداری مدرسه نیز به شمار می رود. دو معلم پایه های چهارم و پنجم، صمیمانه در کنار دانش آموزانشان نشسته اند تا نماز جماعت را همدلانه و در کنار یکدیگر، اقامه کنند. فاطمه نظری، آموزگار پایه پنجم است و نیروی رسمی آموزش و پرورش. سوابقی مثل تحصیلات حوزوی اش باعث شد با درخواست او برای خدمت در این مدرسه، موافقت شود. مهدیه سادات حسینی نیز آموزگار پایه چهارم است و نیروی رسمی آموزش و پرورش. وجه مشترک دیدگاه هر دو آموزگار، این است که اشتغال دانش آموزان به حفظ قرآن نباید خللی در سطح علمی آن ها ایجاد کند؛ بنابراین با تمام توان برای تقویت برنامه های علمی مدرسه تلاش می کنند.

۳ برای بهترین نتیجه

تصور نادرست درباره ماهیت مدرسه و اینکه چیزی است شبیه طرح مدرسه در مسجد از یک سو و بی میلی نسبت به حضور فرزند در محیطی متفاوت از مدارس معمول، از دلایلی است که خانم جواهری برای مخالفت برخی والدین بیان می کند: «موافقت والدین، تنها ملاک ما برای ثبت نام نبود. ما به انتخاب دانش آموزانی درس خوان بانمراست خیلی خوب اصرار داشتیم؛ دانش آموزی که در آزمون کتبی ورودی از درس های علوم و ریاضی قبول شود. همچنین والدین دانش آموز باید در مصاحبه حضوری شرکت می کردند تا مطمئن شویم برای حفظ قرآن از سوی فرزند دخترشان، همراه اند. انتخاب ۲۶ دانش آموز پایه چهارم و ۲۴ دانش آموز پایه پنجم، نتیجه این فرایند بود.» جواهری که علاوه بر مدیریت مدرسه، مربیگری برای حفظ قرآن دانش آموزان در سال تحصیلی گذشته را نیز بر عهده داشته است، این ها را می گوید و به دقتی اشاره می کند که در انتخاب کادر آموزشی و اداری مدرسه، به خرج داده شد تا خروجی مدرسه تخصصی حفظ قرآن حضرت مهدی (عج) بهترین باشد.



برنامه فردی برای حفظ

«انگیزه و توان هر دانش آموز برای حفظ قرآن متفاوت است. برای همین هرکدام بسته به توانایی خودشان و میزان همراهی خانواده شان، برنامه حفظ متفاوتی دارند تا روی ذهنشان فشاری نیاید.» نتیجه جملاتی که جوهری می گوید، خروجی های متفاوت به تعداد دانش آموزان مدرسه است. برخی در این سال تحصیلی، به حفظ جزء پنجم قرآن رسیده اند و برخی دیگر، توفیق حفظ دو جزء قرآن یا بیشتر را داشته اند. او درباره تفاوت ساعات آموزشی این مدرسه با مدارس عادی می گوید: مدارس دیگر روزی پنج ساعت آموزش دارند و ما شش ساعت. بعد از عید نوروز، برای حفظ کیفیت آموزشمان با اطلاع آموزش و پرورش، کلاس ها راسه روز در هفته و حضوری برگزار کردیم، در یکی از دارالقرآن های محدود و خواجه ربیع.

آن طور که جوهری می گوید، حفظ قرآن، برنامه ای مستمر است که نباید در آن وقفه ای رخ دهد؛ بنابراین برای امیدهای علمی و قرآنی منطقه در ایام تابستان هم، کلاس های حضوری و مجازی برگزار خواهد شد؛ کلاس هایی شاد، جذاب و قرآنی که رنگ و بویی از کسالت یا اجبار برای حضور در آن دیده نمی شود.



ماجرای یک عهد

مریم نکستان، آموزگار مدرسه پسرانه

آیتا... طالقانی، مادر دانش آموز آرتمیس حکیمی

از همان ابتدا با خدا عهد کرده بودم که آرتمیس را قرآنی بار بیاورم. همیشه دغدغه انتخاب مدرسه اش را داشتم و می خواستم در جهت قوی که به خدا دادم، قدم بردارم.



مهر پارسال، وقتی اطلاعیه جذب دانش آموز در مدرسه تخصصی حفظ قرآن حضرت مهدی (عج) را دیدم، با خودم گفتم همه تلاشم را می کنم دخترم را بفرستم این مدرسه. وقتی خودم و آرتمیس در آزمون و مصاحبه ورودی شرکت کردیم و نتیجه، قبولی دخترم شد، از صمیم قلب خوشحال شدم. هر چند این قبولی برایم سختی هایی هم داشت. مدرسه تا منزل، فاصله دارد و باید برایش سرویس بگیرم.

شیفت مدرسه آرتمیس، ثابت است و شیفت مدرسه ای که من درس می دهم، چرخشی. اینجا شهریه هم دارد. من همه این هزینه ها و سختی ها را با افتخار، قبول کردم به این امید که دخترم در کنار علم، آموزش های قرآنی ببیند، بیش از چیزی که در مدارس عادی تدریس می شود. کادر آموزشی خوب و با اخلاق، فرزندان از خانواده های محترم و قرآن دوست و پیشرفت قرآنی آرتمیس، بدون اینکه فشاری روی ذهنش بیاید، چیزی بوده است که من تا الان دیده ام. کارهای فوق برنامه مدرسه در مناسبت ها آن قدر خوب است که اگر این مدرسه، تادبیرستان هم ادامه داشته باشد، انتخاب اولم برای ثبت نام دخترم خواهد بود.

رفع دغدغه های فرهنگی

لیلا شاد، کارشناس روان شناسی، مادر

دانش آموز صبا کاظمی

برای من که به خاطر حفظ قرآن و تدریس خصوصی آن، چندین سال است با قرآن مانوس هستم، سخت بود دیدن آسیب های فرهنگی رایج در مدرسه سابق دخترم.



صبا. مثلاً وقت هایی که در مدرسه، جلسه ای برگزار می شد، برخی والدین، ادب حضور در محیط آموزشی را رعایت نمی کردند و با پوشش ها و آرایش هایی عجیب، در جلسه، ظاهر می شدند. از چنین والدینی، بعید نبود داشتن فرزندان که در مدرسه، حرفشان از سگ هایی باشد که در خانه نگهداری می کنند. دلم نمی خواست صبا در چنین فضایی درس بخواند. از طرفی، دخترم وارد وادی حفظ قرآن شده بود اما چون مدرسه سابقش در جریان برنامه حفظ او نبود، تحت فشار قرار می گرفت. مثلاً روزی که باید یک صفحه از محفوظات قرآنی اش را به من تحویل می داد، امتحان ریاضی هم داشت و این نا هماهنگی، جلو رشدش را گرفته و توانسته بود فقط دو نیم جزء را حفظ کند.

در این مدرسه قرآنی، همه چیز عالی است و از آسیب هایی که نگرانم کرده بود، خبری نیست. علاوه بر کم جمعیت بودن مدرسه، فضای علمی همراه با معنویت است. برنامه های فرهنگی مختلفی برگزار می شود. ادب قرآنی را در رفتار اولیای مدرسه، دانش آموزان و والدینشان می بینم و... خدا را شکر دخترم به حفظ جزء پنجم قرآن رسیده است.

سختی های پیش ارزش دارد

سارانوری - دانش آموز پایه پنجم

خانه ما سمت بزرگراه شهید چراغچی است. اتفاقی با اینجا آشنا شدم. تابستان پارسال، آمده بودیم دفتر پیشخوانی که نزدیک آرامگاه خواجه ربیع است. چشمانم



به دارالقرآن افتاد. پرس و جو کردیم و فهمیدیم برای من هم کلاس قرآن دارد. تابستان که تمام شد، اینجا تبدیل شد به مدرسه. زنگ زدند و گفتند اگر دوست داشته باشی می توانی ثبت نام کنی. پدر و مادرم را به اصرار راضی کردم که ثبت نامم کنند. مدرسه خیلی خوبی است. تمیز است، کلاسمان شلوغ نیست و بچه ها خیلی مؤدب هستند. دلیلش این است که دارند قرآن حفظ می کنند، با مفاهیم قرآن آشنا می شوند و الگو می گیرند. معلم ما هم منظم می آید سر کلاس و مثل مدرسه قبلی ام، غیبت ندارد. اما راستش را هم دور است و باید با توبوس، تنهایی رفت و آمد کنیم. من این سختی ها را به خاطر قرآن قبول کرده ام و حتی یک بار هم نشده که پیش خودم بگویم کاش به این مدرسه نمی آمدم. الان دو جزء قرآن را حفظ شده ام. حفظ قرآن، نه خیلی سخت است و نه خیلی آسان. از پیش برمی آیم. دلم می خواهد با کمک مربی حفظ قرآنمان، خانم جوهری، بتوانم حافظ کل قرآن بشوم.

آشنایی با مفاهیم قرآن

مطهره منفرد استاد - دانش آموز پایه پنجم

مهر پارسال، معلم کلاس چهارم در مدرسه مهر مادر پیام داد و گفت مدرسه ای هست که در آن در کنار درس، بچه ها قرآن را هم حفظ می کنند. آمدم اینجا ثبت نام



کردم. آزمون دادم و قبول شدم. وقتی که مدرسه ها حضوری بود، هر روز بخشی از مسیر را با او و بخش دیگر را پیاده می آمدم تا به مدرسه برسم. عیبی ندارد که راهم دور است، چون مدرسه خوبی داریم. خانم جوهری که مدیر مدرسه و مربی حفظ قرآنمان است، خیلی خوب است و اشکالاتمان را رفع می کند. فقط کاش، مسئولیت کمتری در مدرسه داشت تا بیشتر با ما قرآن کار می کرد. با کمک او تلاش خودم، جزء ۳ قرآن را تمام کردم و سوره بقره را هم تا آیه ۱۳۰ حفظ شدم.

برنامه ام این است که روزی پنج خط قرآن حفظ کنم باشیوه ای که ایشان یادم دادند. حفظ قرآن و مرور آن تقریباً یک ساعت طول می کشد. کنار حفظ، با مفهوم آیه ها هم آشنایی شویم، مثلاً می دانم آیه ۱۰۲ سوره بقره درباره مجرای دوفرشته به نام هاروت و ماروت است؛ همچنین درباره حضرت سلیمان (ع) و جادوگری هایی که یهودی ها برای جدایی انداختن بین همسران استفاده می کردند.

تماشای ثمره انس با قرآن

فاطمه عطار، دبیر علم تجربی، مادر

دانش آموز ریحانه دهقانپور

من حافظ یازده جزء قرآن کریم هستم و فضای قرآنی در خانواده مان جاری است. دخترم، ریحانه، قبلاً جزء ۳ را حفظ کرده اما بخشی از آن را از خاطر برده بود. اوایل مهر



که مدیریت اینجا من تماس گرفتند و ثبت نام ریحانه در مدرسه تخصصی حفظ را پیشنهاد کردند، خیلی خوشحال شدم. قضیه برایم فقط حفظ قرآن نبود؛ می خواستم ریحانه در یک محیط فرهنگی سالم رشد کند. دلم می خواست در مدرسه ای درس بخواند که اگر اسم قرآن را بیدک می کشد، ثمره انس با قرآن را در کادر آموزشی و اداری مدرسه هم ببینم. این مدرسه، همان است که می خواستم و ارزشش را دارد که هر روز، فاصله خانه مان از روستای زیرکن تا اینجا را طی کنیم. وضعیت درسی خوب و داشتن زمینه قرآنی، دو شرط ثبت نام در مدرسه بود که ریحانه، هر دو را داشت. دخترم امسال، علاوه بر پیشرفت تحصیلی، جزء سی ام قرآن را تثبیت کرده و جزء یک را هم حفظ شده است.

روایت مردی که در دهه هفتم زندگی، ۳ روز در هفته کوه نوردی می کند

رفاقت «دونده» با کوه

۴



راه تجربه

سکینه تاجی اسه روز در هفته کوله اش را برمی دارد و به دل کوه می زند. نه برای رقابت با کسی، یا مسابقه و نه حتی برای آنکه ثابت کند هنوز توان سال های جوانی را دارد. رجب دونده، متولد ۱۳۳۷ در فریمان، از نوجوانی، ورزش را به بخشی از زندگی خود تبدیل کرد. مردی که با ورزش عجیب و به قول خودش، ورزش توی گوشت و پوست و خونش بود اما شرایط سخت زندگی اجازه نداد بتواند به شکل حرفه ای آن را دنبال کند. حالا اما در جمع پیشکسوتان کوه نورد مشهد، همچنان پای ثابت برنامه های هفتگی کوه پیمایی است و بسیاری از قله های خراسان، رد قدم های آقارجب را بر سینه خود دارند.

● وقت خالی را فقط با ورزش پر می کردم

وقتی پای صحبتش می نشینم، از همان ابتدا معلوم است که با آدمی روبه رو هستم که بخش مهمی از عمرش را در رفت و آمد میان کار و ورزش گذرانده است. چابکی و سرزندگی اش شبیه دیگر هم سن و سال هایش نیست. رجب دونده و همسر مهربانش با خوش رویی میزبانم می شوند. هنوز صحبت ها گل نینداخته که حاج خانم با سینی چای می آید و کنارمان می نشیند. محو خاطره گویی حاج آقا از سال های جوانی است؛ «اولش به ورزش رزمی، کاراته و تکواندو و این قبیل رشته های پرداختم؛ بدن سازی هم جزو علاقم بود که آن موقع بهش می گفتند «زبایی اندام». هر وقت خالی گیرم می آمد، می رفتم به سالن های ورزشی.»

● کودکی با کوهستان گذشت

رجب دونده سال های کودکی و نوجوانی اش را در فریمان گذراند؛ جایی که به گفته خودش، کوه رفتن بخشی از زندگی مردم است. می گوید: روستای زادگاهم کوهستانی بود و بچگی ما در کوه گذشت.

شاید همین نزدیک بودن به طبیعت و کوهستان باعث شد که پس از بازنشستگی و در سال هایی که فرصت بیشتری پیدا کرد، دوباره به سمت کوه کشیده شود.

آقارجب حالا بیش از چهارده سال است که منظم به کوه می رود و هفته ای چند بار ارتفاعات را چه تنها و چه با گروه طی می کند؛ «ورزش همیشه توی گوشت و پوستم بود. بازنشسته که شدم، اوایل، تنهایی راه می افتادم و می رفتم کوه. هر جا و هر مسیری را می توانستم، می رفتم. در همین مسیر با آدم ها و گروه هایی هم سن و سال خودم آشنا شدم و حالا همراه و هم نوردیم.»

گروه پیشکسوتان بوستان بهشت منطقه ۴ برنامه های منظم صعود دارد و بسیاری از ارتفاعات شناخته شده منطقه را پیموده است. بینالود، قوچگر، شیرباد، دال و یامان داغی، بعضی از قله هایی است که آقارجب خاطره صعودشان را تعریف می کند.

● به گرد جوان ها نمی رسیم اما...

آقارجب گالری عکس های تلفن همراهش را بالا و پایین می کند و عکس های متعددی از کوه نوردی هایش نشانم می دهد. در روزگاری که بسیاری از مردم از کمبود وقت، خستگی و مشغله های زندگی گلایه می کنند، دیدن گروهی از پیشکسوتان کوه نورد که با وجود سن و سالشان همچنان مسیرهای سخت را پشت سر می گذارند، تماشایی است. گروهی که اگر چه بقول حاجی، قبول دارند که سن روی

می روند. بعضی ها هم معتقدند کوه نوردی برای سالمندان مفید است و عضلاتشان را تقویت می کند. اما من به خاطر هیچ کدام از این ها به کوه نمی روم. کوه رفتنم فقط و فقط از روی علاقه است؛ علاقه ای که تا وقتی پایم یاری کند، رهایش نخواهم کرد.

● همه چیز در کوه شیرین است

برای بسیاری از کسانی که اهل کوه نوردی نیستند، این پرسش مطرح است که چگونه می توان بارها از یک مسیر بالا رفت، به قله رسید و دوباره از همان راه بازگشت، بی آنکه این کار تکراری خسته کننده شود. اما رجب دونده، کوه را فقط یک مسیر صعود و فرود نمی بیند. از نگاه او، وقتی پای لذت در میان باشد، حس تکراری شدن دست نمی دهد. می گوید: آدم وقتی از کوه نوردی لذت می برد، چرا باید برایش تکراری بشود؟ از سخت ترین خاطره آقارجب می پرسم که بی درنگ به از صعودی در حوالی قله دال فریمان اشاره می کند؛ خاطره ای که هنوز بعد از چند سال برایش زنده است. تعریف می کند: حدود سه سال پیش، وقتی قله را فتح کردیم، برای اولین آمدن باید از یک قسمت خیلی خطرناک عبور می کردیم. راه باریک بود و باید دست به دیواره کوه می گرفتیم و یک نفر، یک نفر می شدیم. یک لحظه غفلت یا خطا کافی بود تا آدم به ته دره سقوط کند.

با این حال آن مسیر را با احتیاط پشت سر گذاشته اند و حالا خاطره اش به یکی از ماندگارترین تجربه های سال های کوه نوردی او تبدیل شده است. وقتی از شیرین ترین خاطراتش می پرسم، پاسخ کوتاهی می دهد که شاید خلاصه نگاهش به کوه باشد؛ «همه چیز در کوه شیرین است و حتی سختی ها با دقت و احتیاط، شیرین می شود.»

توان جسمی شان تأثیر گذاشته، با ورزش منظم قصد دارند جلو ناتوانی ها بایستند.

وقتی صحبت از همراهی با جوان ترها می شود، با صراحت می گوید: جوان ها وقت و حوصله ما را ندارند. کار و مشغله و گرفتاری هم دارند. بعد با خنده ادامه می دهد: در گروه ما پایه سن گذاشته هایی هستند که دیگر سر کار نمی روند. صبح زود آفتاب زده حرکت می کنیم. کمی راه می رویم و کمی استراحت می کنیم اما جوان ها تیزروترند. ما نمی توانیم همپای آن ها بشویم و باید با هم سن و سال های خودمان هم قدم شویم.

در سال های اخیر بارها درباره نقش کوه نوردی در سلامت جسم و روان شنیده ایم؛ از کسانی که بهبود بیماری خود را به این ورزش نسبت می دهند تا افرادی که برای حفظ سلامتی و نشاط به دامان کوه پناه می برند. اما رجب دونده، نگاه متفاوتی به کوه نوردی دارد. او با لبخندی ساده و صمیمی می گوید: خیلی ها هستند که می گویند مریض بودیم و کوه ما را شفا داد یا برای پیشگیری از بیماری به کوه

با همه خوب است

عباس ثانی، متولد ۱۳۳۵ هم نورد رجب دونده

بیش از یازده سال است که به طور حرفه ای کوه نوردی می کنم و قبل از آن هم پای ثابت ورزش های همگانی پارک ها بودم. کوه نقطه آغاز آشنایی و سپس رفاقت و اکنون هم نوردی من و آقای دونده است. حدود پنج شش سال پیش، یک روز در مسیر کوه های خلج، آقای دونده را دیدم. تنها بود. آنجا با هم آشنا شدیم و برای دفعه بعدی، قرار دو نفری کوه گذاشتیم و بعد از آن هم گروه شدیم و حالا تقریباً همیشه با هم به ارتفاعات می رویم. آمادگی جسمانی خوبی دارد. گاهی از جوان ترهای گروه هم بهتر عمل می کند و در چالش ها و سختی های ما داند باید چه کند. هر کسی تازه وارد باشد و بیاید توی گروه ما، آقارجب به یکی دوبار دیدن، رابطه خوبی با او برقرار می کند و فوراً با همه رفیق می شود. با همه خوب است. پیرو جوان هم ندارد.



نگاهی به پشتوانه علمی برای تغییر نام بولوار امت به امیرالمؤمنین (ع)

فرا تر از تغییر نام

صندوق
خاطرات

حاشیه شهر و محلات دور مانده از توسعه، به متن شهر برای بهره مندی از اقتصاد زیارت بودیم؛ محلاتی با ظرفیت های مغفول که قادرند به صاحبان صنایعی لوکس تبدیل شوند. نوروزی با اشاره به رایزنی هایش با بخش تحقیقات و طرح های مطالعاتی شهرداری مشهد و نیز کمیته تطبیق فرمانداری مشهد، می گوید: حدفاصل حرم مطهر تا میدان امت را باید شاهراهی با چهار بُعد اقتصادی فرهنگی دید؛ یکی بازار عقیق تراشی به عنوان هنر بومی محله کوی مهدی، جاروبافی به عنوان هنر پر قدمت محله تلگرد، بازار کیف و کفش در خیابان دریا و محله گلشور و بازار حجاب و پوشش در محله ایثار.

پشتوانه های طرح

جمع آوری ۲ هزار امضای مردمی، همراهی بیست مسجد و رایزنی با استادان دانشکده های اقتصاد و جامعه شناسی دانشگاه تهران و انجمن علمی مطالعات صلح ایران، مواردی است که نوروزی به عنوان پشتوانه مردمی و علمی طرح اتصال بولوار امت به شارستان امیرالمؤمنین (ع) یاد می کند و می گوید: این اتصال و تغییر نام، گستره وسیعی در مناطق ۴، ۵ و ۸ و ۹ و ۱۰ رادر برمی گیرد. مشهد، پیش از این هم تجربه های موفق در مقیاس کوچک تر برای اتصال حاشیه به متن داشته است؛ مثل برداشتن دیوارهای شهرک شهید بهشتی (عرب ها) که آن را از شهرکی غیربومی با آسیب های مختلف به متن شهر و جریان اقتصادی متصل و به محدوده ای گردشگر پذیر تبدیل کرد.

این پیشنهاد از بدو مطرح شدن در شورای اجتماعی محله تاتصویب نهایی در کمیته نام گذاری معابر، به شمار می رود. نوروزی موضوع تغییر نام را با ۱۴۰۳ در نشست مشترک شهردار مشهد با رؤسای شوراهای اجتماعی محلات منطقه ۴ مطرح کرد و در نشریه و کانال شهرآرامحله نیز منعکس شد.

ماجرای اتصال

نظر نوروزی درباره تغییر نام بولوار و ایجاد مخالفت از سوی برخی این طور است: ایراد را باید به کسانی گرفت که قبلاً، بخشی از بولوار امت را به امیرالمؤمنین (ع) نام گذاری کردند. یا این نام را تغییر نمی دادند یا اگر دادند، همه آن را تغییر می دادند، نه فقط بخشی از بولوار را. او در ادامه به «اتصال»، به عنوان یکی از نظریه ها در جامعه شناسی توسعه اقتصادی این طور اشاره می کند: اتصال



فرزانه شهامت | تا اواسط هفته پیش، به «بولوار امت» معروف بود و از پنجشنبه گذشته، مصادف با عید غدیر، به «بولوار امیرالمؤمنین (ع)» تغییر نام یافت. این مسیر ۲ هزار و ۱۰۰ متری که از میدان امت در منطقه ۴ آغاز می شود، محلات تلگرد، کوی مهدی، گلشور و ایثار را در برمی گیرد و با گذر از منطقه ۵ به تقاطع بولوار وحدت - شارستان امیرالمؤمنین (ع) در منطقه ۸، ختم می شود. اکنون اتصال بولوار امت به این شارستان، مسیری ۲ هزار و ۹۰۰ متری را تحت لوای نام امیرالمؤمنین (ع) ایجاد کرده است.

آغاز پیشنهاد، دوسال پیش

این تغییر نام که با مصوبه کمیته نام گذاری معابر شهرداری مشهد صورت گرفت، مانند هر تغییر دیگری، مخالفان و موافقانی دارد. برخی مانند عضو شورای اجتماعی محله گلشور معتقدند نام امت، به بخشی از هویت منطقه تبدیل شده بود و نباید دستخوش تغییر می شد. حجت الاسلام والمسلمین سید تقی موسوی تأکید می کند اگر بناست این بولوار، یکی از مسیرهای پنجگانه تشریف به حرم مطهر معرفی شود، نباید به تغییر نام اکتفا کرد و ملزومات دیگری مثل بهبود زیرساخت های ترافیکی بولوار به دلیل افزایش تردد ها در آن، ضروری است. مریم نوروزی، رئیس سابق شورای اجتماعی محله کوی مهدی، دیدگاه متفاوتی درباره این مصوبه دارد. او که جامعه شناسی اقتصادی و توسعه راتا مقطع دکتری ادامه داده است، یکی از افرادی که

تالان کلا ۹۰۰ مدال به دست آورده ام؛ پنج طلا، سه نقره و یک برنز. یک طلا و یک نقره کشوری هستند.

الگوی ورزشی ات کیست؟

مربی ام، استاد صبوری که قهرمان آسیا هستند و لچی قربانوف، کاراته کار روسی که فیلم مسابقاتش را زیاد تماشا کرده ام.

کاراته را تا کجا ادامه می دهی؟

تا وقتی که بتوانم مدال های جهانی به دست بیاورم. به مربی شدن هم فکر کرده ام.

چه کسانی بیشتر به تو انگیزه می دهند؟

استاد آقای صبوری، در خانواده هم برادر و پدرم. مادرم اما بیشتر نگران است که موقع تمرینات آسیب نبینم.

تا حالا آسیب دیده ای؟

موقع مسابقات، یکی دو بار ساق پایم به خاطر ضربه حریف، درد گرفت. در درده سنی ما آسیب هادر همین حد است و آسیب های جدی ترا اگر قرار باشد پیش بیاید، مال بزرگ سالان است.

کسی بوده است که با دیدن تو، جذب کاراته شود؟

بله، چند تا از دوستانم و بچه های کلاس من مثل مرتضی، امیرمحمد و امیرحسین. مربی ام وقتی مدال های من را سر کلاس آورد و بچه ها فهمیدند من قهرمان هستم، خوششان آمد و آن ها هم سراغ کاراته آمدند.

به رشته ورزشی یا فعالیت دیگری هم علاقه داری؟

کوه نوردی را دوست دارم و در برنامه های خانوادگی و دوستانه، موقع بالا رفتن از کوه از همه جلومی زنم. به مداحی علاقه دارم و در هیئت نوجوانان مسجد بلال، مداحی می کنم. به اجتماعات شبانه هم که می روم، برای دشمنان ایران رجز می خوانم.

نونهال خوش آتیه محله خیرآباد از علاقه اش به کاراته می گوید

از شیطنت های خانگی تا سکوی قهرمانی



امید محله

باشگاهت کجاست؟

زیرزمین مسجد بلال در خیابان شیخ صدوق.

برایت ورزش مهم تر است یا درس؟

هر دو مهم است. الان من هم کمر بند مشکی کاراته دارم، هم شاگرد ممتاز کلاس چهارم مدرسه شهید محمد رضایی هستم.

از اولین افتخاری که به دست آورده ای، بگو.

اردیبهشت دو سال پیش، وقتی کمر بند نارنجی داشتم، در مسابقات استانی شرکت کردم. فکر می کردم حداکثر بتوانم مدال برنز به دست بیاورم ولی وقتی دوم شدم و مدال نقره را گرفتم، خیلی شیرین بود. همان سال با کمر بند آبی در مسابقات کشوری شرکت کردم و طلا گرفتم.

افتخار ورزشی دیگری هم

به دست آورده ای؟

فرزانه شهامت | صادقانه اعتراف می کند به شیطنت هایی که در خانه می کرد و خرابکاری هایی که به بار می آورد. در چنین شرایطی، معلوم بود که خانواده رضایی، به ثبت نام فرزند تهنه تغاری شان، محمد طاهر، در کلاس ورزشی رضایت بدهند. بلکه انرژی بی پایان او به شکل صحیح جهت دهی شود. او تا تابستان ۱۴۰۳، زمانی که کلاس دوم ابتدایی را به پایان رسانده بود، به باشگاهی در محله خیرآباد رفت و پس از آن با درخششی زود هنگام، به یکی از امید های قهرمانی کاراته کشور در عرصه بین المللی تبدیل شد؛ به طوری که به گفته مربی اش، علیرضا صبوری، اگر برنامه حضور این کودک خوش آتیه در مسابقات برون مرزی، به دلیل جنگ تحمیلی سوم با چالش مواجه نمی شد، اکنون کارنامه افتخارات او در رده سنی خرد سالان، وزن سنگین تری داشت.

انتخاب کاراته از روی شناخت بود یا اتفاقی؟

به سراغ این رشته رفتی؟

کاراته کارهای زیادی اطرافم هستند و تمریناتشان را دیده بودم؛ مثل برادرم که کمر بند آبی دارد و دوستم، نوید که کمر بند قهوه ای دارد.

برنامه تمرینات چطور است؟

به جز تمرین هایی که در خانه انجام می دهم، سه بار در هفته، روزهای زوج، از ساعت ۱۸ تا ۱۹:۳۰ می روم به باشگاه.





با پیگیری مستمر شهرآرامحله و همت شهرداری منطقه ۳، تعریض معبر دردرساز محله بلال به پایان رسید

گلوی رسالت ۷۶ باز شد



۳



هم‌زمان خودروها و عبور مناسب خودروهای امدادی را نداشت و به همین دلیل پس از اخذ مجوزهای لازم، پروژه تعریض آن در دستور کار قرار گرفت.

او در ادامه اجرای این پروژه بیان می‌کند: در جریان اجرای این طرح، جابه‌جایی ستون‌های برق از سوی شرکت برق انجام شد، سپس جابه‌جایی و ریشه‌کنی درختان واقع در مسیر از طریق روتبال صورت گرفت. تخریب و بازسازی کانیو و اصلاح حدود دو بیست متر از طول معبر انجام شد. در پایان نیز بیش از نهمصد متر مربع زیرسازی و آسفالت برای بهبود شرایط تردد در این معبر اجرا شد.

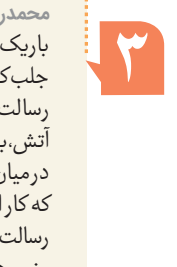
برآورد کتابدار برای اجرای این پروژه حدود ۹۵ میلیون تومان است؛ اعتباری که نتیجه آن امروز در قالب معبری ایمن‌تر و دسترسی آسان‌تر برای ساکنان و خودروهای امدادی دیده می‌شود.

علی‌دیبا، رئیس شورای اجتماعی محله بلال، نیز در گفت‌وگو با شهرآرامحله از همراهی و پیگیری شهرداری برای رفع این مشکل قدیمی قدر دانی کرد. وی با اشاره به رضایت و خوشحالی ساکنان محله از به‌ثمر رسیدن این مطالبه‌دیرینه، بیان کرد که اجرای این اقدام، موجی از امید و رضایت را در میان اهالی ایجاد کرده است.

محمدرضا فیضی اتابستان پارسال، یک آتش‌سوزی در کوچه‌ای باریک از محله بلال، توجه بسیاری از اهالی را به مشکلی قدیمی جلب کرد. ۲۹ تیرماه، پس از تماس‌های مکرر شهروندان، به خیابان رسالت ۷۶ و کوچه شهید طاهری ۵ رفتیم؛ جایی که شعله‌های آتش، بخشی از زندگی یک بانوی بی‌سرپرست را در خود بلعیده بود. در میان روایت‌های تلخ آن حادثه، اهالی از مانعی سخن می‌گفتند که کار امداد رسانی را دشوار کرده بود؛ عرض کم ابتدای خیابان رسالت ۷۶ باعث شده بود خودرو آتش‌نشانی در مسیر گرفتار شود و نیروهای امدادی ناچار شوند راه دیگری را برای رسیدن به محل حادثه انتخاب کنند. این موضوع بار دیگر مطالبه قدیمی ساکنان برای تعریض این معبر را زنده کرد.

در همان روزها، سیدکمال‌الدین شاهچراغی، شهردار منطقه ۳، وعده پیگیری این مطالبه را داد؛ وعده‌ای که حالا تحقق یافته و رضایت اهالی را به همراه آورده است.

به گفته علی‌کتابدار، رئیس اداره عمران، حمل و نقل و ترافیک شهرداری منطقه ۳، عملیات تعریض کوچه رسالت ۷۶ به پایان رسیده است. او می‌گوید این معبر به دلیل عرض کم، امکان تردد



خبر خوش شهرآرامحله درباره پیگیری مشکل رطوبت‌زدگی خانه‌های اطراف بوستان نرگس

راهکار آماده شد، اعتبار در راه است



۳

اعلام کرده‌اند؛ موضوعی که اهالی امیدوارند با تأمین اعتبار و اجرای طرح پیشنهادی، به پایان یکی از دغدغه‌های چندساله آن‌ها منجر شود.



مشهد، با تأیید وجود مشکل آب‌گرفتگی در بوستان نرگس گفت: بررسی هانشان می‌دهد این مسئله به دلیل اجرای شیب نامناسب در زمان احداث بوستان به وجود آمده است.

وی افزود: کارشناسان برای رفع این مشکل، راهکار مشخصی ارائه کرده‌اند و بر این اساس، با اجرای یک جویچه عرضی و اتصال آن به کانال هدایت آب‌های سطحی در حاشیه خیابان میزبایی، امکان جمع‌آوری و هدایت آب‌های سطحی و در نتیجه رفع آب‌گرفتگی بوستان وجود دارد.

رئیس اداره فضای سبز منطقه ۳ همچنین از پیگیری برای تأمین اعتبار این پروژه خبر داد و گفت: مکاتبات و پیگیری‌های لازم برای دریافت اعتبار از معاونت محیط زیست و خدمات شهری شهرداری انجام خواهد شد و به محض تخصیص اعتبار، عملیات اجرایی رفع آب‌گرفتگی در بوستان نرگس آغاز می‌شود. به این ترتیب، پس از انعکاس مطالبه ساکنان در شهرآرامحله، مسئولان شهری دلیل مشکل را شناسایی و راهکار اجرایی آن را

محمدرضا فیضی ۱۳ اردیبهشت امسال در گزارشی با عنوان «رطوبتی که به جان خانه‌ها افتاده»، به گلایه ساکنان خیابان شهیدان نظام دوست ۴ از وضعیت بوستان نرگس پرداختیم؛ بوستانی که قرار بود فضایی برای آرامش و نشاط اهالی باشد، اما به گفته برخی از همسایه‌های مجاور، طی سال‌های اخیر به منشأ نفوذ رطوبت به منازل آن‌ها تبدیل شده است.

در آن گزارش، ساکنان خانه‌های چسبیده به بوستان نرگس از بروز نم‌زدگی، ترک دیوارها و افزایش رطوبت در واحدهای مسکونی خود سخن گفتند؛ مشکلی که حدود هفت سال پس از افتتاح این بوستان، نگرانی‌هایی را درباره استحکام و دوام ساختمان‌ها به وجود آورده است.

اکنون و پس از گذشت حدود یک ماه از انتشار این گزارش، شهرآرامحله برای پیگیری موضوع دوباره به سراغ مسئولان شهرداری منطقه ۳ رفته است.

غلامحسین عباسی، رئیس اداره فضای سبز شهرداری منطقه ۳